

انقلاب اسلامی و توسعه فقه سیاسی

*سید سجاد ایزدهی

به گزارش اداره روابط عمومی و اطلاع‌رسانی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، هفتمین نشست از سلسله نشست‌های چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی با موضوع «انقلاب اسلامی و توسعه فقه سیاسی» و با ارائه بحث توسط حجت‌الاسلام سیدسجاد ایزدهی مدیر گروه سیاست پژوهشگاه در محل پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار گردید. در ادامه گزارشی از این نشست تقدیم مخاطبان می‌گردد:

حجت‌الاسلام ایزدهی در ابتدای سخنانش گفت: ما در این نشست به دنبال دستاوردهای علمی هستیم که توانسته ثمراتی در عرصه عمل نیز ایجاد کند و نوید تحولاتی در ادامه بدهد. بحث ما به طور خاص، تحولات در عرصه دانش یا گرایش بینارشته‌ای تحت عنوان فقه سیاسی که از یک سو با فقه و از سوی دیگر با دانش سیاست گره خورده است. این که یک دانش باید تحول پیدا کند، مقوله درون‌زا یا مستند به نیازهای بیرونی است، بحث مفصلی است، اما عجالاً پذیرفته شده است که قدرت تأثیرگذار در دانش است و البته دوسویه است؛ البته می‌تواند هم مثبت باشد و هم منفی. اما با توجه به اینکه فقه ما عنایت به مقوله عینیت و نیازهای واقعی دارد و حداکثری است، هر چه جامعه متحول تر شود، فقه نیز متحول تر می‌شود. با وجود انقلاب اسلامی، چندین وجه از نیازها به فقه عرضه شد، از یک جهت حجم اطلاعات زیاد شده است، حجم مسائل جدید؛ از سوی دیگر فقه از قدیم نیازهای فردی را جواب می‌داد، اما امروزه در بستر نظامی قرار داریم که هم سوالهای فردی دارد، هم اجتماعی، هم حکومتی و هم سوالاتی برای اداره جامعه که همه را به فقه عرضه کرده است. طبیعتاً پاسخ به آنها، بازنگری جدی را در فقه از حیث منظر، روش، نظریه‌پردازی، غایات و کارویژه‌ها می‌طلبد. اینها موجب شد، فقه ما در چهل سال گذشته، تحول زیادی را طی کند؛ به گونه‌ای که اگر نظام اسلامی بوجود نمی‌آمد، شاید فقه ما هنوز در مورد اینها حتی تفکر و گمانه زنی نیز نمی‌کرد. امروزه نه تنها، پاسخ به بسیاری از سوالات وظیفه خود می‌دانیم، بلکه بایسته‌ای است که اگر به آن نپردازیم، عملاً در فضای خلأ قرار می‌گیریم و طبیعتاً باید این پاسخ را از نظام‌های غرب بگیریم که دال بر یک خلأ قانونی یا سکولاریسم پنهانی خواهد بود و باید بخشی از نیازهای زندگی مان را از منابع و مبانی غیردینی اخذ کنیم.

چون نظام سیاسی امروز بر پایه فقه بنا شده و فقه نرم افزار اداره جامعه فرض شده، طبیعتاً حکومت، قدرت و حاکمیت سیاسی بیشترین مجال را به فقه سیاسی می‌دهد که این نرم افزار را تقویت و روزآمد کند و بتواند بر اساس مبانی حداکثری دین و شریعت حکومتی را اداره کند که هم مستند به دین باشد و هم کارآمدی داشته باشد.

برای مرور وضعیت فقه سیاسی در چهل گذشته، باید به قبل از انقلاب نگاه کنیم که در چه فضایی بودیم، فقر منابع و اطلاعات. اگر امروز صحبت از فقه حکومتی می‌کنیم، در سالیان قبل صحبت از حکومت ستیزی یا حکومت گریزی بود. ما تا زمان مرحوم امام در مرحله مقدماتی بودیم و گویا هنجار غالب این بود که دین را با سیاست چه کار. اما از این چهل سال، نه فقط بحث رابطه دین و سیاست، بلکه رابطه دین و حکومت، فقه و سیاست، فقه و حکومت را شاهدیم. ما گام‌های زیادی برداشته ایم، اگرچه با آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها فاصله داریم و گام‌هایی در پیش داریم (رسیدن به نظام مطلوب/ نظام کارآمد از حیث ساختار، شکل، قانون، کارگزاران و غایات/ رسیدن به رویکرد تمدنی) اما انصافاً کارهای زیادی صورت گرفته است. امروزه نسبت به زمان مشروطه که بحث فقه سیاسی کمی رونق داشت، شاید بتوان گفت رابطه هزار به یک است. اگر آن زمان استثناء بود، تک کتاب، تک مضراب، و تک فقیه بود، امروز قاعده و پارادایم است. در زمان‌های گذشته، طرح بحث علمی ولایت فقیه استثناء بود، اما امروز در قالب حکومت، ساختار و... قرائت‌های مختلف وجود دارد.

تحولات و وضعیت چهل سال گذشته با نگاه به قبل از انقلاب

اگر امام قبل از انقلاب، ولایت فقیه را نهایتاً در ۲۱ جلسه تدریس می‌کنند، اما امروز بحث‌های ولایت فقیه در دروس خارج، چهار الی پنج سال طول میکشد، به همین تناسب در بحث‌های دیگر؛ این راه پیموده شده است که ما در آن قرار داریم. به همین جهت است که امروز حوزه، وحشت دارد از اینکه به او گفته شود حوزه سکولار و حال اینکه قبل از انقلاب، به صورت عادی و رایج اینگونه بود و بحث از سیاست مطرح نبود و پارادایم غالب این بود و عملاً فقه متصدی زندگی مومنانه مردم بود و با جامعه و حکومت کار نداشت یا نهایتاً از دور نگاهی داشت.

جمع‌بندی بخش اول

به عنوان جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت درباره وضعیت چهل سال قبل فقه گفت: وضعیت فقه سیاسی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، حرکت از فقه حادقلی ماقبل مشروطه و فقه عرفی مشروطه به فقه انقلاب اسلامی بوده است. در این دوره شاهد عدم ارتباط دین با سیاست و حکومت هستیم و دیدگاه‌های امام خمینی در خصوص تحجر حوزه‌های قبل انقلاب نیز موجود است. همچنین مهوریت نظریه ولایت فقیه قبل از انقلاب و تبدیل آن به نظریه‌های متعددی چون: ولایت انتصابی، ولایت انتخابی، ولایت شورایی، ولایت مطلقه، ولایت مقیده، ولایت عامه، ولایت شورای مراجع تقلید، نظریه مالکیت مشاع، وکالت فقیه و... و البته مهوریت اسلام سیاسی و تبدیل آن به گفتمان رایج حوزه و عدم طرح مباحث فقه نظام و طرح مباحث فقه فردی و اکتفا به امور فردی و احوالات شخصیه.

با توجه به مطالب مطرح شده می توان توسعه فقه در چهل سال گذشته را از چند حیث بررسی کرد و توسعه در جنبه های متعدد اشاره کرد.

توسعه فقه در چهل سال گذشته

1. توسعه فقه از حیث مسائل

اگر مسائل فقهی و فقه سیاسی ما قبل از انقلاب به اموری چون امر به معروف، نماز جمعه، حدود، حربه و... محدود می شد؛ امروزه تقریباً عمده اینها از مباحث فقه سیاسی خارج شده و به مباحث تخصصی خودش رفته است، اگرچه برخی کماکان به فقه سیاسی مرتبط است؛ اما به ازای آن بسیاری از اموری وارد عرصه فقه سیاسی شده که صحبتی از آنها نبوده است، بحثهایی چون تفکیک قوا، قانون اساسی، پارلمان، تقنین، نظام ریاستی و پارلمانی و... نظریه های بسیار جدی چون حکومت دینی، مردم سالاری دینی و... مطرح شده که نسبت به فقه قدیم که به مرز اینها حتی نزدیک نشده بودند، توسعه وسیعی بوده است. اگر بخواهیم فقه حکومتی را وارد این بحث کنیم، دریای وسیعی باز می شود که تقریباً همه مسائل را مجدداً باید بازخوانی کنیم، چرا که علاوه بر بررسی فقهی باید از منظر حکومتی نیز بررسی کرد. اقتضای حکومت و فقه حکومتی این است که احکام فقه فردی نیز کاملاً متحول می شود.

2. توسعه از حیث سطح انتظار

اگر از قدیم، انتظار این بود که فقه در حد افتاء و استفتاء در حد رساله عملیه به نیازهای زندگی مومنانه مردم و عمدتاً در احوالات شخصیه پاسخ بگوید؛ امروزه دیگر آن بخش کوچکی از مباحث فقهی است که شاید فقه سیاسی نیز به آن عنایت داشته باشد. امروز از طرفی از فقه فردی به فقه اجتماعی رفتیم، از طرف دیگر بحث حکومت و اداره مطلوب حکومت و شهروندان را داریم، که باید برای همه اینها برنامه داشت. حتی باید چشم انداز مطلوب نسبت به آینده فقه داشته باشیم که از قدیم مورد توقع نبود. امروز بحث ما، بحث نظریه پردازی است، نظریه آزادی بر اساس مبانی فقهی، نظریه امنیت فقهی، نظریه مردم سالاری دینی و بسیاری خرده نظریات دیگر. بنابراین می توان گفت در توسعه فقه ما از ارائه فتوا و حکم، به نظریه پردازی، نظام سازی و تمدن سازی رسیده ایم و سطح انتظار بالا از فقه بالا رفته است.

3. از حیث روش شناسی

هر چه از حیث موضوعات متکثر شدیم و از حیث غایات جلو رفتیم، اگر بخواهیم به مسائل بر اساس این منظر پاسخ دهیم، اگر روش متناسب با آن را ایجاد نکنیم، نمی شود. اگر بخواهیم فقه حکومتی داشته باشیم، اما روش شناسی فقه حکومتی نداشته باشیم، اصلاً فقه حکومتی شکل نمی گیرد. ما باید در فقه، روش شناسی را روزآمد کنیم؛ باید روش شناسی مبتنی بر

عقلانیت، مقاصد شریعت، عرف، بنای عقلاء و استفاده از مبانی کلامی در استنباط داشته باشیم. روش شناسی فقه حکومتی داشته باشیم که اساساً یک اصول فقه حکومتی می‌طلبد که با شکل‌گیری این اصول، فقه حکومتی سامان می‌یابد.

4. از حیث تبدیل حکم به نرم افزار اداره جامعه

امروز وقتی از فقه و به طور خاص فقه سیاسی صحبت می‌کنیم، دیگر بحث فقه ما پاسخ‌گویی یک فرد نیست. بلکه بحث اداره نظام است. بنابراین در توسعه فقه در این مقطع فقه ما از حکم، تبدیل به نرم افزار اداره جامعه شده است. فقه سیاسی فردی و اجتماعی به فقه حکومتی تبدیل شده است (با قرائت‌های مختلف: فقه سرپرستی، فقه اداره، فقه کلان، فقه نظام، فقه حکومتی، فقه تمدنی و ...).

5. از حیث جلسات و کلاس‌های رایج حوزوی

تناسب دغدغه‌ها و بحث‌های متعدد که اشاره شد، در سالیان اخیر باعث شد که حوزه‌های علمی که در سال‌های گذشته تدریس امام از ولایت فقیه قاعده نبود و تک مضراب بود، امروز مباحث متعدد فقه سیاسی به مثابه درس‌های رایج وجود دارد. امروز ما شاهد دروس خارج فقه سیاسی متعدد در قم، جلسات و نشست‌های فقه سیاسی در موسسات و پژوهشگاه‌های حوزوی و کرسی‌های تخصصی و ترویجی فقه سیاسی هستیم که قبل از این اصلی بحث از اینها نبود.

6. از حیث کتب نگاشته شده فقه سیاسی

اگر ما در سال‌های قبل از انقلاب، تک کتابهایی چون کتاب مرحوم عنایت داشتیم که بحث‌های اندیشه سیاسی اسلام را داشت، یا اصلاً کتابها اندیشه غرب بود یا ایران باستان بود؛ اما اینکه اسلام اصیل چه اندیشه‌ای دارد، جزوه یا تک‌نگاری‌هایی شده بود. اما امروز مباحث خیلی گسترده با کتابهای بسیار تخصصی که مثلاً حداقل سه کتاب فقه سیاسی در جشنواره فارابی برگزیده شدند. یا کتابهایی که در کتاب سال دیده‌ایم. بسیاری از این کتاب‌ها امروزه منابع درسی دروس ارشد و دکتری هستند.

7. از حیث مقالات علمی پژوهشی، تخصصی و ترویجی

امروزه مجلات علمی پژوهشی و ترویجی و تخصصی متعددی به مباحث فقه سیاسی و ایضا به مباحث فقه حکومتی اختصاص دارند. (مجلات چون: حکومت اسلامی، علوم سیاسی، فقه حکومتی، گفت‌مان فقه حکومتی و ...).

8. از حیث دوره‌های دانشگاهی (ارشد، دکتری، بلکه دوره‌های تخصصی دکتری)

امروز مراکز و موسسات آموزشی متعددی به طور تخصصی به مباحث فقه و فقه سیاسی می‌پردازند: جامعه المصطفی العالمیه (دوره ارشد، دکتری و سطح چهار) با چند گرایش در فقه سیاسی، مثل روابط بین الملل؛ دانشگاه باقرالعلوم (طرح سرفصل

های آموزشی در دوره های دکتری فقه الدوله، فقه النظاره، فقه الأئمّه و المواطنين، فلسفه فقه سیاسی، فقه امنیت؛ موسسه امام رضا (ع) و مراکز دیگر. همچنین می توان به حجم وسیع دانشجویان در این بخش اشاره کرد.

9. از حیث پایان نامه های سطح سه و چهار حوزه و ارشد و دکتری

در سالیان اخیر، پایان نامه های زیادی در عرصه فقه حکومتی داریم که به مسائل روز و دغدغه نظام می پردازند. این حجم از پایان نامه ها، ثمرات آن در سالهای بعد روشن می شود

10. از حیث تعدد مراکز مختلف حوزوی، دانشگاهی و آموزشی و پژوهشگاهی

مراکز پژوهشی چون: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، موسسه فقه ولیّ امر (آیت الله اراکی)، موسسه فقه و علوم اسلامی (تحت اشراف مقام معظم رهبری)، پژوهشکده فقه نظام، موسسه فقه ائمه اطهار (آیت الله فاضل)، موسسه فتوح اندیشه و ...

11. از حیث تعداد نظریه های سیاسی

نظریه های سیاسی جدی هم در سالیان اخیر مطرح شده که انصافاً بدیع هستند و در بستر نظام و برای اداره نظام است. مثلاً مقوله مصلحت تا قبل از انقلاب، ابا داشتیم از اینکه در فقه شیعه درباره آن بحث کنیم، مصلحت یا مقوله ای بود سنی یا مادی، یا مصلحت به مثابه فرصت طلبی و یا مصالح مرسله اهل سنت؛ اما مصلحتی که امام مطرح کرد، مصلحتی است بومی خودمان و مبتنی بر فقه خودمان، اگرچه الزاماتی دارد، بلکه عملاً به نهادی چون مجمع تشخیص مصلحت نظام تبدیل شده است. بنابراین یک نظریه به یک نهاد و جایگاه تبدیل شده است. و یا نظریاتی چون: فقه امنیت، تجسس، فقه نظارت، فقه جغرافیای سیاسی، فقه دولت، مردم سالاری دینی، استقلال قوا، انتخابات، پارلمان، نظریه حق الطاعه، نظریه منطقه الفراغ، استعاره حکومت به وقف و ولایت و نظریات دیگر.

12. از حیث موضوع شناسی تخصصی

در سالیان گذشته مباحث فقهی ما مبتنی بر یک موضوع شناسی جدی نبود. یعنی عمدتاً درک واضحی از موضوع سیاست و مولفه های آن نبود. امروزه فهم روزآمد از مقولات مدرن و مستحدثه توسط فقیهان و متفکران در استنباط و ... وجود دارد.